



ق - ق

هم واي عربى



قلاب برای لنگر است  
قايق و کشتی بندر است  
این قلاب این قايق است  
این قايق مرد چاق است



قوی قشنگ تو آبه  
بچه هی قو هم خوابه  
تو آسمون عقا به!  
فکر شکار نابه  
مبادا قو بخوابه!

ق - ق

نرم کامی، بسته



# ق ق



قورباغه



قارچ



قیچی



قوری



عُقاب



قیف



چراغ قوه



قاشق



قو



قهوة ای



بوق



عَقرب

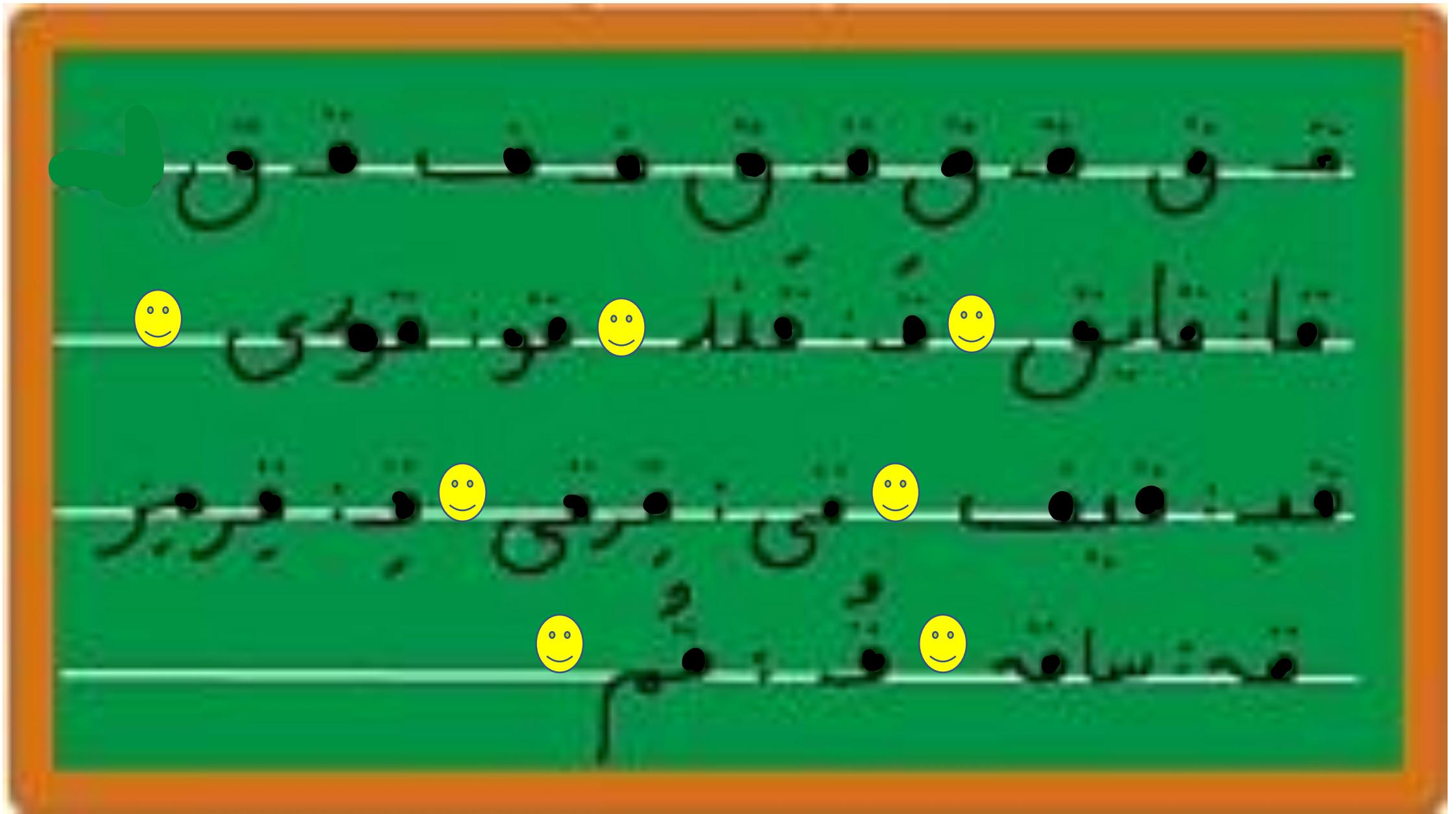
ق ق ق ق

---

---

---

---



دروس هنگاری ۱۲



٦٣



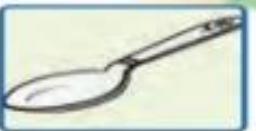
۵۰



چاہو



قاشق ۋىشقاپ



اشق

آزاده قیاد را پر آز قند می‌گند.

سادر قاشق و بُشّقاب را می‌شوید.

پدر قوری و استکان را به آناتق می برد.

آب بآد مم سس او و تت ر ذن ایدی ای ز ایه(۸)ه شش یه آن کک و پپ گگ ڏف خخ 

٦٧

قا قَ قوْقَيْ قَيْ قَدْ قَهْ

قرآن-قندان-قند-قوری-قاشق-آتاق-قایق-بُشتاب-قنازی-قشنگ-  
مسابقه-قفس-برق-قرمز

آقا قاسم و اکرم خاتم امروز به خانه ی ها آمدند. حادر قوری را روی سماور  
قرار داد. پدر قندان را پر از قند کرد. من ایستگان و قندان را به آتاق  
بردم. دیروز وقتی از مدرسه بر می گشتم قنازی زخی را گینای سبزه پیدا کردم  
و قفس قشنگی برای پرنده خریدم. من مقداری دانه در بُشتاب برای قنازی  
ریختم.





